

اگر 200 بار دیگر هم زنم را می‌کشتم، راضی بودم

20 اسفند 1403

جلسه محاکمه وکیل سابق دادگستری که همسر خبرنگارش را به قتل رسانده بود در شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران برگزار شد.

متهم: من زن و بچه داشتم اما در تنهایی مطلق بودم.

این جنایت هولناک ۱۹ آبان امسال در خانه‌ای واقع در شمال تهران رخ داد و خانم خبرنگار ۵۲ ساله‌ای به دست همسرش که وکیل دادگستری بود با ضربات دمبل و چاقو به قتل رسید. همسر مقتول قصد داشت پسر ۱۷ ساله‌شان را نیز به قتل برساند اما به گفته خودش پشیمان شده بود. صبح یکشنبه ۱۹ اسفندماه در حالی که چهار ماه از این جنایت هولناک گذشته بود، متهم از زندان به شعبه دهم دادگاه کیفری به ریاست قاضی شجاعی منتقل و محاکمه شد.

در دادگاه چه گذشت؟

در ابتدای این جلسه، نماینده دادستان به جایگاه رفت و با قرائت کیفرخواست و آخرین اظهارات متهم در مراحل بازجویی گفت: «متهم عنوان کرده در ۳۸ سالگی، خواهر بزرگش با معرفی همسر مقتولش به وی و پس از انجام مراسم خواستگاری، ازدواج کرده است، اما در ۱۸ سالی که زندگی مشترک داشتند، ۱۵ سال با هم قهر بودند و او سال‌ها تنها بوده و حتی با همدیگر حرف هم نمی‌زدند، در ۵ سال آخر زندگی نیز بیش تر تنهایی را حس کرده به طوری که سراغ مصرف مواد مخدر رفته است.

متهم در بخش دیگری از اظهاراتش عنوان کرده تصمیم داشته بعد از قتل همسر و فرزندش، خودش را هم بکشد. او ادعا کرده بیش از یک‌ماه‌ونیم از آغاز سال تحصیلی گذشته بوده اما به دروغ به همسرش گفته پسرشان را در مدرسه ثبت‌نام کرده در حالی که اصلاً پسرشان را ثبت‌نام نکرده بوده است. وی گفته قرار بوده مقتول به مدرسه پسرش برود اما متهم از ترس این که با رفتن او به مدرسه مشخص شود پسرش را ثبت‌نام نکرده و از طرفی هم به خاطر مشکلات مالی دیگر توان پرداخت اجاره خانه را نداشته، تصمیم گرفته غائله را با قتل همسرش خاتمه دهد.

او درباره جزئیات قتل هم گفته است که قبل از قتل ۴ قرص متادون خوردم چون با مصرف متادون عقل و دستم بیش تر تحت کنترلم بود. وقتی منصوره از جلوی اتاق پسرمان رد می‌شد، بدون هیچ بحث و مشاجره‌ای به یکباره با دمبل به سرش کوبیدم که روی زمین افتاد، بعد روی او نشستم و دوباره با همان دمبل ضربه‌ای به سرش زدم و دیدم سرش شکسته که بعد به آشپزخانه رفتم و کاردی را برداشتم و متوجه شدم همسرم روی تخت نشسته که در این هنگام با چاقو دو ضربه به گردنش زدم. او شوکه شده بود و فقط می‌پرسید چرا؟!

وی هم چنین تأکید کرده در ماجرای قتل، نه همدستی داشته و نه از سوی کسی ترغیب شده و با کسی

هم رابطه پنهانی نداشته، بعد هم می‌خواسته پسرش را بکشد که قادر به این کار نشده است.



متهم گفت که با نیت قبلی می‌خواستم همسر را بکشم. حتی زمانی هم که خانواده او متوجه ماجرا شدند، مانع ورودشان به خانه شدم چون می‌خواستم اگر همسرم نمرده بود کارش را تمام کنم. بعد از خواندن بخش‌هایی از اظهارات متهم، نماینده دادستان برای متهم درخواست اشد مجازات صادر کرد، سپس مادر مقتول برای متهم درخواست قصاص و برای جراحات وارده به دخترش درخواست دیه کرد و گفت: او دخترم را بی‌رحمانه به قتل رساند. من گذشت نمی‌کنم و حاضرم تفاضل دیه را هم پرداخت کنم تا داماد سابقم قصاص شود. در ادامه اظهار شد، فرزند مقتول که در دادگاه حاضر نبوده از قصاص پدرش گذشت کرده و رضایت داده است.

پس از آن مجید اسدی، وکیل اولیای دم به جایگاه رفت و گفت: با توجه به این که متهم با برنامه‌ریزی قبلی و آگاهی از این موضوع که ضربه به سر نقطه کشنده و حساس است اقدام به جنایت کرده و در ادامه هم با چاقو سراغ قربانی رفته و گزارش پزشکی قانونی هم نشان می‌دهد متهم در زمان وقوع جنایت مسئول اعمال کیفری خود بوده، بزه ارتكابی او محرز و آشکار است. از آن جایی که متهم، وکیل پایه یک دادگستری بوده، با آگاهی کامل از مسائل حقوقی دست به جنایت زده و یک خبرنگار ارگان دولتی را به قتل رسانده است.

سپس قاضی از متهم پرسید: آیا اتهام‌تان را قبول دارید؟
متهم جواب داد: قبول دارم و 12 بار هم اعتراف کرده‌ام.

پس از آن وکیل متهم به جایگاه رفت و گفت: با این که پزشکی قانونی سلامت عقلی موکلم را تأیید کرده، به آن اعتراض دارم چون معتقدم مشکلاتی در سلامت روانش دارد و پیشنهاد می‌کنم موکلم به کمیسیون پزشکی معرفی شود. موکلم شاید مجنون نباشد اما مشکلات روانی دارد و به تعبیری سفیه عرفی است. بعد از آن وکیل اولیای دم در واکنش به اظهارات وکیل متهم گفت: اظهارات شما کلیشه‌ای و بیش تر برای تبرئه موکلان است. متهم در همه مراحل بازجویی با اشراف کامل به مسائل حقوقی اظهاراتش را بیان کرده است.

در ادامه متهم به جایگاه رفت و گفت: مشکل من با همسرم بحث حقوقی و بند و ماده قانونی نبود. من زن و بچه داشتم اما در تنهایی مطلق بودم. خانواده‌اش می‌دانستند دخترشان چه اخلاقی دارد. من و همسرم بیش تر از این که زندگی کنیم، قهر بودیم. او 7 صبح سر کار می‌رفت و 7 شب می‌آمد و بعد هم با گوشی با خواهرش پیام رد و بدل می‌کرد. فکر می‌کردم یک روز بالاخره درست می‌شود و سال‌ها ساختم اما سوختم.

متهم افزود: «ما با هیچ کس رفت و آمد نداشتیم حتی خانواده‌های خودمان. من حتی خانه پدرم نمی‌رفتم چون همسرم نمی‌آمد. وقتی مادرم فوت کرد، همسر و مادر زنم در مراسم نیامدند؛ من از همه آن‌ها متنفرم. اگر 200 بار دیگر هم زنم را می‌کشتم، راضی بودم و از لحظه‌ای که مرتکب قتل شدم یک‌بار هم پشیمانی به سراغم نیامد چون ادامه زندگی برایم شرم بیش تری داشت. مقصر این حادثه خانواده همسرم بودند.

متهم در ادامه دادگاه شروع به تهدید مادرزنش و توهین به خانواده آنها کرد که با تذکر قضات روبه‌رو شد.

در پایان جلسه، قضات با اعلام ختم جلسه رسیدگی، برای صدور رأی وارد شور شدند.

کامران علمدهی